

شفافیت زیر شلمون

سیدعلی رضا مهدوی زاده

- شهناز خانوم! خدا نکشدت. راسته می‌گن سایت فروش سبزی زدی؟
+ آره نه. پس چی؟ فک کردی من الکی دانشگاه رفتم مدرک گرفتم؟ دیشب آقامونه صوبت کردم، منه گفت: «اینجوری برا من مشتری بیشتر میادش.»
- چی می‌فروشی حالا؟
+ هر چی که زیر شلمون می‌فروشیم، اونجه هم می‌دارم. جفری، امزنا، ریحون ...
- با پسر قربون چی‌کار داری؟
+ اووهه! چقدر لهجه داری؟ خیلی ضایع‌س ته حرف زدن مرضیه خانوم! قربون ریکا دیروز منه گفت که بی‌کاره و هر جا می‌ره کار نمی‌دنش. بهش گفتم برام پیک زیاد میاد تو اینا ره بیرهر چی گرفتی ته وسه باشه. موتوراز خودش داره، دیدم به نفعمه.
- دیروز مت اینکه تو همون اولین سرویش با مشتری دعواش شده.
+ تقصیر خودش بودا! به من چه؟ می‌گه مردی منه گفت به جای سبزی یه دسته لَم برام آوردی.
- تقصیراونه سبزیات آشغال داره؟
+ ول کن تو چنه لهجه داری؟ خله آبروریزیه.
* خانوم این چه آشغالی بود واسم فرستادی؟ من جعفری و تربچه و تره و شاهین سفارش دادم برام علف باغچه فرستادی. شما مت اینکه کارتون شفاف نیست، تبلیغاتون دروغه.
+ چیشی؟ کی گفته؟ بیا بین کدومشون آت و اشغال داره؟
* بذار بهت نشون بدم.
+ اووهه! اونه دس زنن ... اون سبزی وری نرو که باز بشه بستنش خله سخته، اون لَم ... چی سبزی ره دس زنن! اووهه! دس زنن!

صفحه شلمون در پیام‌رسان بله و تلگرام: @SHALMOON
و در اینستاگرام: @ShalmoonTanz

برنامه فضایی احتمالی امارات در ادامه
عادی‌سازی روابط با اسرائیل!

میرتقی حسینی



منطقه آزاد یا منطقه ول؟

ول بار آمدن: سرخود، بی اجازه، بی تربیت، بی ادب، نادان، نفهم {بیخشید تنونستم کنترل کنم، از دستم دررفت} بار آمدن. در اینجا به ساختمان‌هایی اطلاق می‌شود که در مناطق آزاد، ول بار آمده‌اند. هر روز برج و ساختمان جدیدی ساخته می‌شود. عالمان مترادف، ول ساخت نیز می‌شمارند.

ول و ویلان: رها، آزاد و افسار سرخود و بی تکلیف. در لهجه جنوب ایران به معنی شتر است.

در این واژه‌نامه یعنی بودجه مناطق آزاد مثل شتری بی تکلیف در منطقه ول است.

ول بند: بندی که بی تربیت است. در اینجا به بندهایی اطلاق می‌شود که در منطقه آزاد، شتر بودجه را در بند کرده است تا به منزل نرسد.

ول گیر: کسی که کسی یا چیزی را که بی تربیت و رها شده است می‌گیرد.

در اینجا مخصوصاً به کسانی گفته می‌شود که مواظب هرز نرفتن استعدادهاى مناطق آزاد هستند.

متداول: {م ت و}. دست به دست گردانیده شدن، رایج، همگانی.

در اینجا به پروژه‌های منطقه آزاد اطلاق می‌شود که مدام دست به دست می‌گردد و ول بودن آنها رایج است.

ولی: به فتح اول {و}. هم اسم خاص انسان، هم به معنی سرپرست است، هم نقش قید دارد به معنی اما.

در اینجا به کسی گفته می‌شود که درس خواند، تربیت یافت و از خانواده خود {ول‌ها} برائت جست و به مقام عالی رسید. از این خانواده، خیلی‌ها درس خواندند و تربیت یافتند و به مقام بالایی رسیدند اما مجال سخن نیست.

ول نگار: نویسنده‌ای که به نوشتن درباره "ول" علاقه دارد. در اینجا به نگارنده متن اطلاق می‌شود.

ول: {و} (ا) و لنگار. مترادف رها، ترک. به معنی آزاد، غیر مقید، کسی که تربیت نیافته است. **منطقه ول یا ولو:** منطقه‌ای که تربیت نیافته است و در گفتار و رفتارش مراعات آداب را نمی‌کند. در واژه نامه شلمونی مطلقاً به منطقه آزاد گفته می‌شود.

شُل و ول: سست و غیر محکم. در اینجا به حرف‌هایی که قبل از تصویب منطقه آزاد و برای تضمین آن می‌گویند، گفته می‌شود و به گوینده آن ول گو می‌گویند.

ولگرد: بدون هدف و علاف گشتن و همزمان بی تربیت بودن.

برخی واژه نامه‌ها «توریست مناطق آزاد» معنی کرده‌اند اما در اینجا به کالاهای خارجی که در بازار داخلی منطقه آزاد سرازیر می‌شوند، گفته می‌شود.

ول معطل بودن: بیهوده انتظار کسی یا چیزی را کشیدن. در اینجا مطلقاً به کالاهای داخلی در بازار مناطق آزاد گفته می‌شود که بیهوده انتظار کسی را می‌کشند تا از سردرگمی دربیایند.

ولوله بازار: به کسر هر دو واو {و}. بازاری که ول و بی تربیت است.

در واژه‌نامه شلمونی به جایی گفته می‌شود که به خاطر تصویب پروژه منطقه آزاد، زمین‌هایش افزایش قیمت پیدا کرده‌اند و سرمایه‌داران بومی و علی‌الخصوص غیربومی در آن هجوم برده‌اند و هرچه زمین کشاورزی و غیره است، می‌خرند. کلا کلی خرند.

در حال حاضر:



گذشته:



دریا باشد یا جنگل؛
زمین زراعتی باشد
یا باغ؛ ته دره یا
نوک کوه؛ فرقی
نمی‌کند. برای یک
ویلا ساز، همه جا
ویلاست!

فکر:

حمیده غلامی اوریمی

اجرا:

فاطمه ندیمی

ارز لای جرز

رانت خواری قانونی شد

محمدرضا کریم‌زاده

پس از تصویب ارز ۴۲۰۰ برای کالاها، اساسی، سراغ عده‌ای از واردکننده‌ها رفتیم تا سؤالاتی را از آن‌ها بپرسیم:

خبرنگار: می‌توانید بگویید چطور شد که ارز ۴۲۰۰ به شما تعلق گرفت؟

واردکننده شماره ۱: حقیقتش من که نمی‌خواستم، دایی بنده این امتیاز رو به زور بهم داد، من هم چون خانومم یا به ماه هست و دلش هوس لواشک کرده می‌خوام پاستیل و لواشک وارد کنم.

واردکننده شماره ۲: بنده با تلاش شبانه‌روزی و عرق فراوانی که ریختم به عنوان ساقی برتر شناخته شده‌ام و برنده‌ی کاپ طلائی شدم.

خبرنگار: چرا وقتی کالاها با ارز دولتی وارد می‌کنید به قیمت ارز آزاد به فروش می‌رسانید؟

واردکننده شماره ۲: این سؤال منم هست. به بار گوگل کردم منو به یه روانپزشک ارجاع داد.

واردکننده شماره ۱: شما سراغ دایی عزیزم بروید تا شخصاً جواب سؤالتان را بدهند. فقط اینکه دایی بنده دست سنگینی داشته و مراقب باشید تا سؤالتان را بد نپرسید.

خبرنگار: چطور شد که تا کنون دستگیر نشده‌اید؟

واردکننده شماره ۱: دایی بنده دوستی داره که با دوست من که دوست داره با دوست اون دوست بشه، دوست شده و باند

رفاقتی و معرفی تشکیل داده و از ما واردکننده‌ها حمایت می‌کنند.

واردکننده شماره ۲: اتفاقاً این سؤال را هم گوگل کردم و این بار ما به قوه قضائیه ارجاع داده بود که سریع نت را قطع

کردم.

داستان‌های گلکی

سیدعلی‌رضا مهدوی‌زاده

من که دیگه درمه شفته بومه. وه چه وضعیتی هسه ماززون دله؟ انگار دره منطقه آزاد بونه. امروز، ظهر موقع، اتا کیجا بیمو میوه‌فروشی دله، معلوم نیه ونه ماتنوی آستین تا کجه بیه؟ خله بیبواتا کم ونه آرنج جا پایبتر دیه. شه هسکا پوس، ویشتر نیه. از هفتاد کیلو وزن، پنجاه کیلو ماتیک و آرایش داشته. ونه حرف بزوتن معلوم نیه، حامله بامشی واری ناله کرده. پیرمردی میوه‌فروش، بنه ره اشا و ونه جا حرف زو، بیچاره نزدیک بیه خجالتی او بوه. پنج دقیقه نیه که ونه بی‌غیرت مردی، خی واری فیس بکرده بمو دکون دله. ونه بازوی رگ، شلنگ لوله ره گته زکی. وقتی خواسه گپ بزنه، اول داد کشیه بعد شه کناره حرف بزوتن وسه چرخ دا. هچی! ته سره درد نیارم. این هیولا کنه، شه عاروسکه دس بیته بورده. مین اینجور موقع‌ها، خیاطاره مقصر دومه که موقع لباس بدوتن، پارچه سر زنه، والا چه معنی دابنه آدم شه نصف لباسه سره جا بله؟ هوف! خله حرف بزومه. مه گلی خشک هیته. اتا اودنیه بخیریم. ته جا خالی، اون موقع - که دشت دله دیمه - اتا یارو بیموزمین دله، ونه حواس نیه. اوتنا شیشیه ره - که ونه دس دیه - خالی هکرده مه

کله بالا، بی‌حواسی مه دهون دله بیکلسه، ته جا خالی، تا چن روز فضای دله دیمه، مه چش سیو بی بیه، چی؟ عرق بخردمه؟ خجالت بیکش. مین و عرق‌خری؟ آره! دیمه گتمه. بد دوره زمونه‌ای بیه، انگار منطقه آزاد بیه و مردم دره آزاد بوننه. چچی گنی؟ بحثه عوض نکمه! گمه ونه غیرت داشتن. تونه بی‌غیرت بوئن. اینتی موقع، مه غیرت زنه بالا. درسه گرد هسمه و زرد و زارمه و رگ نایمه، ولی غیرت که دومه چشیه. مگه ته واریمه سیودیم بیخیال باشم؟ ...

پیرمردی میوه‌فروش، نیسته وشون صوبت تموم بوه و بیمو کارتون خالی ره - که اتا سیب‌زمینی با اتا وینگوم ونه دله گپ زونه - بیته دکون دله بوره.

فاطمه ندیمی



ماشین اقتصاد ←

